



یادبود مرحوم مغفور سلاله السادات
حاج سید حسین حسینی آفرین رحمة الله علیه
یادش گرامی - روحش شاد

سید حسین

شناسنامه کتاب

قدم صدق

در پیشگاه حضرت سید الشهداء علیه السلام

ناشر:

تهیه و تنظیم:

نگارش:

چاپ:

تیراژ:

شابک:

قدم صدق

در دستگاه سید الشهداء علیه السلام

سفیرانی حضرت آیت الله العظمی

حاج سید صادق حسینی شیرازی دام ظلّه

در میان ما نیستند. آنها و دیگر خادمان سیدالشهدا هر قدر در راه اقامه شعائر حسینی کوشش و رنج و ترس را به جان خریدند امروزه در کنار مولایشان خشنود و خرسندند. در روایت آمده است که یکی از یاران امام صادق علیه السلام به ایشان عرضه داشت: دلم هوای زیارت بارگاه پدرت [حضرت سیدالشهدا علیه السلام] را می کند و [الی] وقتی به زیارت می روم تا موقعی که باز می گردم دلم از ترس سلطان و خبرچینان و مأموران در تب و تاب و ترسان است. حضرت به او فرمودند: آیا دوست نداری خدا ببیند که به خاطر ما ترسیده ای؟ آیا نمی دانی هر که برای ما بترسد خدا او را در سایه عرش خود جای می دهد و حسین علیه السلام در زیر عرش هم سخن او خواهد بود و خدا او را از هراس های قیامت ایمن می دارد. مردم در آن روز دچار بیم می شوند ولی او باکی ندارد و اگر هراسناک شود فرشتگان او را آرام می کنند و دلش به مژده آرامش می یابد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عظم الله أجورنا وأجوركم بمصابنا بالحسين صلوات الله عليه وجعلنا وإياكم من الطالبين بثاره مع وليه الإمام المهدي صلوات الله عليه وعجل في فرجه الشريف^۱.

از خدای متعال می خواهم خدمات همه عزاداران سیدالشهدا علیه السلام را به بهترین وجه بپذیرد. ما عاشورای امسال زنده بودیم ولی معلوم نیست در عاشورای آینده چه کسی توفیق خدمتگزاری می یابد و چه کسی نزد مولایش می رود و پاداش خدمات خود را دریافت می دارد. در سال های گذشته مرحوم اخوی آیت الله العظمی سید محمد شیرازی و نیز مرحوم اخوی زاده مرحوم آیت الله سید محمد رضا شیرازی اعلی الله درجاتهما بارها در چنین مجالسی حضور می یافتند ولی امروزه

۱. این گفتار در شام غریبان حسینی ۱۴۳۰ (۱۸ دی ماه ۱۳۸۷) در جمع شمار فراوانی از دستجات عزاداری و سوگواران حسینی ایراد گردیده است.

گام های راستین

در فقره آخر زیارت عاشورا - که حدیث صحیح قدسی است و به واسطه معصومان علیهم السلام از سوی خدا به دست ما رسیده آمده است: «وَأَجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ، وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ خدایا برای من نزد خود قدم صدقی با حسین و یارانش قرار ده؛ همان کسانی که خون قلبشان را فدای امام حسین کردند». و خود را جلو انداختند تا امام حسین زودتر کشته نشوند.

تعبیر «قدم صدق» در این جا شایسته تأمل فراوان است. قدم به همان معنای گام و قدم فارسی است ولی قدم راست یا قدم راستین چه معنایی می تواند داشته باشد؟ مگر قدم انسان راست و دروغ دارد؟ پاسخ این سؤال مثبت است. قدم از این جهت مثل لسان و لسان صدق است که در قرآن از آن سخن رفته است. خدای متعال از زبان ابراهیم علیه وعلی نبینا وآله السلام می فرماید:

«وَأَجْعَلْ لِّي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»؛ [پروردگارا، برای من در میان امت های آینده، زبان صدق و آوازه نیکی قرار ده]. زبان انسان همان طور که ممکن است راست بگوید، ممکن است گاهی به گفتار دروغ بچرخد. به همین سان، «قدم صدق» هم داریم و بهترین شاهد آن خود قرآن کریم است که می فرماید: «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ»؛ به کسانی که ایمان آورده اند بشارت ده که نزد پروردگارشان قدم صدق [و منزلتی راستین] دارند. این معنا در متون روایی و دعاها و زیارات نیز بارها آمده است؛ برای نمونه در دعای روز غدیر می خوانیم: «وَأَجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ الْمُتَّقِينَ»؛ [پروردگارا] برایم به همراه پرهیزگاران قدم صدقی ثبت و ضبط بفرما.

«قدم» در چنین مواردی کنایه از «اقدام» است.

۱. شعراء (۲۶)، آیه ۸۴.

۲. یونس (۱۰)، آیه ۲.

۳. شیخ مفید، کتاب المزار، ص ۹۴ (۴۷) - باب الصلاة يوم الغدير و رعايته؛ مصباح المتعجب، ص ۷۵۰. در نسخه تهذیب عبارت یاد شده بدین گونه است: «وَأَجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ النَّبِيِّينَ».

چنان که می دانیم همه اقدام ها با «قدم» و حرکت و رفتن آغاز می شود؛ مثلاً کسی که قصد اقامه شعائر حسینی دارد از جا بر می خیزد، در مجلس عزای حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) شرکت می کند، منبری دعوت می کند، در هیئت ها حضور می یابد، حسینیه می سازد، کمک و تشویق می کند و... . از آن جا که همه اقدام ها با «قدم» نخست آغاز می شود، قدم در کلام فصیح کنایه از اقدام است. این کلمه در فقره پایانی زیارت عاشورا نیز آمده است. کسی که زیارت عاشورا می خواند در پایان زیارت و در حالت سجده از درگاه باری تعالی قدم صدق می طلبد. و می گوید: خدای چنان کن که این زیارت و اقدام من «راست» باشد. مگر کسی که زیارت عاشورا را با آن همه لعن و سلام و تعابیر والا می خواند و امام را با چنان تعابیر ژرفی زیارت می کند، اقدام نیکویی انجام نداده است؟ شخصی در

چنین مقام چرا باید به سجده برود و از خدا بخواهد این اقدام او را اقدامی راستین ثبت و ضبط بفرماید؟ مگر ممکن است چنین کاری «راست» نباشد؟ اساساً راست نبودن چنین اقدامی چگونه متصور است؟ در پاسخ این پرسش ها باید گفت: چرا که نه. زهیر بن القین رضوان الله علیه با امام حسین (علیه السلام) به کربلا آمد. بیش از هزار تن دیگر نیز مثل زهیر بن القین با حضرت به کربلا آمدند. آنها هم همان اقدامی را انجام دادند که جناب زهیر بن القین کرد، و درست در همان راهی قدم نهادند که زهیر نهاد. ولی قدم آنان بر خلاف قدم راستین او، «قدم کذب» بود؛ چون همه آنان شب عاشورا امام را تنها گذاشتند. اگر قدم آنان، قدم صدق بود مانند زهیر در کنار امام خود می ماندند و سعادت دنیا و آخرت را برای خود می خریدند. در این زیارت شخص از خدا می خواهد او را از

کسانی قرار ندهد که برای امام حسین علیه السلام قدم های دروغین برداشته اند. همان کسانی که کار را به پایان نرساندند و در نهایت به اشکال تراشی در عزاداری، یا مبارزه با عزاداران پرداختند. چنین کسانی هر چند ابتدا در مسیر درستی بودند و اقداماتی داشتند ولی قدم ها و اقداماتشان دروغ بوده است. دلیل دروغ بودن اقداماتشان عاقبت آنان است. این افراد تحت شرایط خاصی از ادامه راه بازماندند و مسیر خود را عوض کردند. اگر اقدامات آنان راستین بود، چنین نمی شد و همان مسیر صحیح را ادامه می دادند. برخی از افراد در طول تاریخ برای امام حسین علیه السلام اقدامات به ظاهر خوبی انجام دادند و شعائر حسینی را تشویق کردند و در راه گسترش عزاداری قدم برداشتند و حتی بعضاً خود نیز در اقامه عزا شرکت می جستند ولی بعدها به مخالفت با عزاداران و کارشکنی در شعائر پرداختند.

برخی از افراد مسن نقل می کنند که پهلوی اول در ابتدای به دست گرفتن قدرت، عزاداری ها و دسته جات را تشویق می کرد و خود شخصاً در دسته جات عزاداری شرکت می کرد. بنده شاید عکس حضور او را در دسته عزاداری عاشورا در حالی که به پیشانی خود گل مالیده بود در روزنامه های گذشته دیده باشم. اما این کار او مصداق قدم صدق نبود چون پس از سال ها تشویق عزاداری ها و مشارکت در شعائر، راه خود را عوض کرد و نه تنها در عزاداری ها شرکت نکرد بلکه به مبارزه با شعائر حسینی پرداخت. او همه انواع عزاداری را ممنوع اعلام کرد و اقامه کنندگان شعائر را مورد مؤاخذه، شکنجه و حبس قرار داد و عزاداران را در تنگنای شدیدی قرار داد.

نقل می کنند در آن زمان برگزاری مجالس عزاداری با محدودیت های شدیدی از سوی دولت

مواجه بود و اگر مأموران دولتی از برگزاری مجلس روضه ای با خبر می شدند جریمه سنگینی از سخنان و صاحب مجلس می ستانند و بقیه شرکت کنندگان را هم به مبالغ کم تری جریمه می کردند و چه بسا پروانه کسب افراد را باطل می کردند. از همین روست که باید از خدا بخواهیم خدمت ها، سوگواری ها و اقدامات ما را در نزد خود قدم راستین قرار دهد و ما را در این راه ثبات قدم بخشد.

بنده اگر زمان پهلوی اول را درست به یاد نیآورم ولی ابتدای بر سر کار آمدن حزب بعث را در عراق به خوبی به یاد دارم. در سال ۱۳۶۸ میلادی وقتی بعثی ها برای بار دوم بر عراق مسلط شدند^۱. آنها در ابتدای کار تا یکی دو سال تمام عزاداری ها را آزاد

۱. یک سال پس از غصب قدس توسط صهیونیست ها. بعثی ها بر مسلمانان منت نهادند که ما می خواستیم سال ۶۷ کودتا کنیم ولی چون دیدیم مسلمانان گرفتار غصب قدس هستند این کار را یک سال به تأخیر انداختیم.

گذاشتند و حتی نقل شد که برخی از مسئولان بلندپایه آنان شخصا در مراسم عزاداری شرکت می کردند ولی بعدها یکی یکی شروع به ممانعت از عزاداری ها کردند و کا را به جایی رساندند که اگر کسی پیاده به زیارت حضرت سیدالشهداء علیهم السلام می رفت او را می کشتند و هزاران نفر را بدین شکل به قتل رساندند.

در خانه او منبر نرو!

در حدود صد سال پیش یا بیشتر در عراق خطیب توانایی به نام سید صالح حلی می زیست که از شاگردان مرحوم سید محمد کاظم یزدی بود و می گفتند مجتهد است. او خطیب نام آوری بود و در شهرهای مختلف برای سخنانی و منبر دعوت می شد. از جمله یکی از تجار معروف در یکی از شهرهای عراق هر سال او را دعوت می کرد. یک

سال آن تاجر به عادت سالانه او را برای منبر دعوت کرد ولی با کمال تعجب مشاهده کرد که سید صالح حلی از پذیرفتن دعوت او عذرخواهی می کند. گفت: اگر مسئله پول در میان است من مشکلی ندارم و اگر وقت ندارید می توانم زمان مجلس روضه را هر ساعت از شب یا روز که وقت داشته باشید تغییر دهم. اما سید صالح هم چنان عذر خواست و هر قدر آن تاجر اصرار کرد سودی نبخشید. علت را که جویا شد، سید صالح حتی حاضر نشد دلیل نیامدنش را هم بگوید. صاحب عزا که شاید از حرف مردم هم می ترسید و خوف آن داشت که آبرویش برود افرادی را واسطه قرار داد تا از سید صالح بخواهند امسال هم مثل سال های گذشته در منزل آن بازاری منبر برود.

اما این کار هم فایده ای نداشت. لذا آن بازاری دست به دامان استاد او یعنی سید محمد کاظم

یزدی شد و از او خواست پادرمیانی کند. مرحوم صاحب عروه، آن خطیب را خواست و گفت: شما هر سال در منزل فلان بازاری منبر می رفته اید ولی امسال از این کار عذر خواسته اید. عرض کرد. بله گفت: چرا؟ مرحوم سید صالح این جا هم از این که علت نرفتن را بگوید عذر خواست و گفت: شما استاد من هستید. بنده دست شما را می بوسم، ولی از من نخواهید علت را بگویم. چند سالی بنده در منزل ایشان خدمتگزار سید الشهداء علیه السلام بودم، چند سال هم شخص دیگری این خدمت را انجام دهد. مرحوم صاحب عروه به او فرمودند: من به تو امر می کنم در خانه او روضه بخوانی. سید صالح عرض کرد: به روی چشم، ولی حال که امر فرمودید و کار به این جا رسید علت را می گویم. ولی دوست ندارم دیگران بدانند. بنده خود آقا سید الشهداء علیه السلام را در عالم

خواب^۱ دیدم که به من فرمودند: سید صالح! در خانه این شخص منبر نرو! عرضه داشتم به روی چشم، ولی اگر صلاح می دانید علتش را هم بیان بفرمایید. حضرت فرمودند: خدای متعال ثروت بسیاری به این شخص عنایت کرده است ولی او با من مثل گدا رفتار می کند [آن بازاری با این که توان مالی بسیاری داشت ولی در تهیه مایحتاج مجلس عزرداری همیشه در پی اجناس ارزان بود و مثلاً ارزان ترین و بی کیفیت ترین انواع برنج و روغن و... را برای مجلس روضه خریداری می کرد]. مرحوم

۱. بنده بارها این نکته را یادآوری کرده ام که خواب غیرمعصوم حجت نیست، مگر این که با آیات و روایات یا واقع خارجی مطابقت داشته باشد. مثلاً اگر شخصی خواب دید فلان شخص بچه دار شد و فردای آن روز خدا فرزندی به آن شخص داد، این خواب رؤیای صادقه است چون با واقع خارجی مطابقت دارد. هم چنین اگر کسی خواب دید سلمان در بهشت، یا شمر در جهنم است این رؤیای صادقه است، چون با موازین شرعی و روایات مطابق است.

صاحب عروه با شنیدن این سخن منقلب شد و فرمود: حال که چنین است من دستور خود را پس گرفتم. در خانه او منبر نرو. این نکته را فراموش نکنیم که در دستگاه سیدالشهداء علیه السلام هر کس باید به اندازه توش و توان خود گام بردارد و از هر کس به اندازه توان او انتظار می رود. ممکن است کسی برای مجلس روضه خانگی اش برنج نیم دانه و لاشه تهیه کند و حضرت سیدالشهداء علیه السلام همان را از او به بهترین نحو بپذیرد و ثبت فرماید؛ چرا که بیش از این مقدار از او برآورده نیست و قدرت ندارد. اصلاً ممکن است جوانی همین مقدار هم قدرت نداشته باشد و نتواند مجلس سوگواری برگزار کند ولی این توان را دارد که دیگران را به این مهم تشویق کند و از زبان و دیگر نعمت های خداداد خود در راه امام حسین علیه السلام استفاده کند.

ضرورت تأسیس رسانه های حسینی

اما از افرادی که مکنت و توان بیشتری دارند انتظار بیشتری می رود. کسانی که توان خدمت بیشتر دارند باید از نعمت هایی که خدا در اختیارشان نهاده بهتر و بیشتر در راه امام حسین علیه السلام استفاده کنند. ممکن است کسی به تنهایی یا با کمک افراد دیگر بتواند یک ماهواره ویژه به نام امام حسین علیه السلام بزند که شب و روز به زبان های گوناگون درباره آن حضرت برنامه پخش کند. شاید کسی این توان را نداشته باشد ولی بتواند هزینه چنین کارهایی را از افراد خیر جمع آوری کند، دست به تشویق دیگران بزند، و نیروها و افراد را مدیریت کند. خدا می داند امروز به چه نام ها و تحت چه عناوینی که این جا نمی خواهم ذکر کنم هزاران شبکه ماهواره ای مشغول گمراه کردن مردم و دروغ پراکنی هستند و مردم را علیه اهل بیت علیهم السلام و ضد امام حسین علیه السلام و ضد حضرت

زهرا علیها السلام شستشوی مغزی می دهند. چقدر شایسته است که یک شبکه ماهواره ای به نام نامی حضرت سیدالشهداء علیه السلام و به همت مؤمنان راه اندازی شود و تمام نقاط جهان را با نام و برنامه ها و آموزه ها و شعائر حسینی پوشش دهد. این کار شاید یک شبه و به دست یک تن انجام پذیر نباشد، ولی اگر مؤمنان همت کنند می توانیم امیدوار باشیم که إن شاء الله در سال آینده شاهد حضور دست کم یک شبکه ماهواره ای به نام امام حسین علیه السلام باشیم. بنده این پیشنهاد را به برخی از افراد که تصور می کردم قدرت این کار را دارند، دادم ولی تا کنون متأسفانه شاهد این پدیده مبارک نبوده ایم. در این میان کسانی که قدرت مالی بیشتری دارند مسئولیت سنگین تری متوجه آنان است. حتی افراد ضعیف تر یا جوانانی که هیچ چیز ندارند ولی خدا به آنان زبان و بیان و همت داده است باید در این راه تلاش نمایند. مگر انبیا و مراجع تقلید

چگونه عمل می کردند؟ آنها نیز ثروت چندانی در دست نداشتند و دیگران را با زبان تشویق به خیر می کردند.

شعائر حسینی و فرهنگ سازی

یکی از فوائد تشکیل این شبکه ماهواره ای فرهنگ سازی در زمینه شعائر حسینی است. شعائر حسینی نیاز به تلاش فرهنگی و فرهنگ سازی دارد.

در زمان پهلوی اول در کشور ایران روز عاشورا تعطیل رسمی نبود، در آن روز ادارات باز بود و کسی که مغازه اش را می بست مرتکب جرم شده بود. اما امروزه علاوه بر ایران نقاطی از جهان در روز عاشورا تعطیل رسمی است که ربع جمعیت زمین را در خود جای داده است. یکی از این کشورها هند است که به گفته خودشان بیش از هشتاد درصد

جمعیت یک میلیاردی این کشور بت پرست هستند و نشان هایی که روی پرچم و پول رایج آنان قرار دارد آشکارا گویای همین معناست. عده شیعیان هند کم تر از ده درصد است. یعنی کسانی که در هند امام حسین علیه السلام را امام معصوم می دانند اقلیتی زیر ده درصد را تشکیل می دهند. ولی با این حال بیش از پنجاه سال است که روز عاشورا در هند تعطیل رسمی است. معنی این سخن این است که در میان این جمعیت یک میلیاردی، حتی گاوپرستان و بت پرستان و ستاره پرستان هم مشمول این تعطیلی هستند و در روز عاشورا دست از کار می کشند.

چنین چیزی نتیجه فرهنگ سازی است و با اقدامات فرهنگی و رسانه ای است که می توانیم شاهد چنین اقدامات مبارکی باشیم.

اساساً امام حسین علیه السلام فقط به شیعیان تعلق

ندارد در چهار گوشه جهان بسیارند کسانی که مسلمان هستند و حتی خدا را هم معصوم نمی دانند(!) اما امام حسین علیه السلام را به عنوان نوه پیغمبر، امامزاده، انسان بزرگ و شخصیت والا قبول دارند. و کتاب های بسیاری درباره ایشان نوشته اند و احادیث بسیاری از ایشان نقل کرده اند.

شاید مقام امام حسین علیه السلام در نزد این گروه چیزی در حدود مقام حضرت ابا الفضل العباس علیه السلام و حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در نزد ما باشد. به هر حال این افراد امام حسین علیه السلام را دوست دارند. ولی با این حال مشاهده می کنیم که متأسفانه روز عاشورا در بسیاری از کشورهای اسلامی تعطیل رسمی نیست. چنین کاری نیازمند همت و فرهنگ سازی است. وقتی علاوه بر مجالس عاشورای شهرهای قم، تهران، مشهد، عراق و هند، سوگواری های مردم استرالیا و آفریقا و امریکا و

نواحی قطب و کافران هند به وسیله یک شبکه ماهواره ای به مردم دنیا نشان داده شود تأثیر بسیاری در این زمینه دارد و موجب تحول فرهنگی می شود.

چه بسیار کافرانی که در چهار گوشه جهان برای امام حسین علیه السلام روضه می گیرند، سوگواری می کنند، شعر می سرایند و کتاب چاپ می کنند. کسانی که از هند آمده اند بارها گفته اند حتی شاعران کافر برای امام حسین علیه السلام شعر می سرایند و دیوان شعر چاپ می کنند. این ها نتیجه فرهنگ سازی است. آیا امام حسین علیه السلام نباید یک شبکه مستقل ماهواره ای داشته باشد؟ اگر جوانان شیعه آستین همت بالا زنند دیگران این کار را خواهند کرد و این افتخار به نام آنان ثبت خواهد شد؛ زیرا کفار هم از آن حضرت استفاده می کنند و چه بسیار کلیمیان و مسیحیانی که طی تاریخ در پرتو شمس وجود سیدالشهداء علیه السلام مسلمان و شیعه شده اند.

اراده تکوینی خدای متعال و گسترش شعائر حسینی

این تصمیم تکوینی خداست که شعائر حسینی به رغم ممانعت ها روز به روز گسترش یابد. خدای متعال مشیت فرموده است که خورشید بتابد، ماه نور بیفشاند، و زمین جاذبه داشته باشد، ماه و خورشید چاره ای جز تابیدن ندارند و کره زمین نمی تواند جاذبه نداشته باشد. درست به همین سان خدای متعال مشیت فرموده است که دستگاه سیدالشهداء علیه السلام به رغم ممانعت ها و کارشکنی ها روز به روز گسترش یابد و این وعده تکوینی و قطعی خداست که هیچ کس قادر به تغییر آن نیست.

رسول خدا فرمودند: «وليجتهدن أئمة الكفر وأشياع الضلالة في محوه و تطميسه، فلا يزداد أثره إلا ظهوراً وأمره إلا علواً؛ هر قدر ائمه کفر و پیروان ضلالت در زدودن و از بین بردن نشانه های [کربلا]

بکوشند روز به روز اثر آن پدیدارتر و نام آن بلند آوازه تر می شود». حضرت در این جا فقط فرموده اند این تلاش های نافرجام سودی ندارد بلکه فرموده اند نتیجه عکس دارد و باعث گسترش و افزایش بیش از پیش آن می شود. تا پنجاه سال قبل شعائر حسینی فقط در ایران و عراق و هند و نقاطی از خاورمیانه وجود داشت. اما امروزه در کنار کاخ سفید و کاخ کرملین، و مناطق نزدیک قطب به زبان های مختلف عزاداری حضرت اقامه می شود و روز به روز رو به گسترش است.

نکته اینجاست که زمامدارانی که مانع اقامه شعائر حسینی می شوند در کلام رسول خدا «ائمه کفر» نام گرفته اند. پس پهلوی اول که خود را مسلمان و شیعه می دانست از ائمه کفر بود. صدام نیز خود را کلیمی یا مسیحی نمی دانست و دم از مسلمانی می زد ولی طبق فرمایش رسول خدا ﷺ چون در پی زدودن آثار

سیدالشهداء علیه السلام بود از پیشوایان کفر است، هر چند خود را مسلمان می نامید.

اصحاب امام حسین علیه السلام

در این فقره پر معنی از زیارت عاشورا از خدا می خواهیم در نزد خود برایمان قدمی صدقی با امام حسین علیه السلام و یاران امام حسین علیه السلام منظور دارد؛ همان کسانی که خود را فدا کردند تا حضرت اندکی دیرتر به شهادت برسد خدای متعال در این فقره می تواند به همین بسنده کند که بگوید: «وَأَجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ» آیا همین کافی نبود؟ معلوم می شود از نظر خدا این کافی نیست. لذا علاوه بر امام حسین علیه السلام، یاران فداکارشان را هم یاد کرده و همراهی با آنان را هم لازم می داند. یعنی باید از خدا بخواهیم برایمان قدم صدقی با حسین و یاران حسین که درود خدا بر آنان باد مقدر فرماید.

امام حسین علیه السلام دو دسته اصحاب داشتند: یک عده که ایشان را تنها گذاشتند و عده انگشت شمار دیگری که تا پای جان در کنار ایشان ایستادند و به فوز عظیم شهادت دست یافتند. این کار آنان به قدری مهم است که خدای متعال از آن یاد می کند و می فرماید: «بَذَلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

امام حسین علیه السلام به اصحاب بزرگوارشان فرموده بودند که این جماعت فقط با من کار دارند و مرا می خواهند. لذا هر یک از شما که با من بماند قطعاً کشته خواهد شد. آن رادمردان با این که یقین داشتند امام حسین کشته می شوند و اگر در کنار حضرت بمانند قطعاً کشته می شوند در رکاب ایشان ماندند و جانفشانی کردند. به واقع آنها جانشان را فدای حضرت کردند تا ایشان چند ساعتی دیرتر به شهادت برسد و دمی بیشتر بماند.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم درباره به تأخیر انداختن شهادت امام حسین علیه السلام فرموده بودند «یک قطره از خون کسانی چون ابوالفضل العباس و علی اکبر علیهما السلام از عالمی با ارزش تر است ولی ارزش آن را دارد که ریخته شود تا شهادت امام را به تأخیر اندازد؛ چرا که یک لحظه از لحظات عمر شریف امام حسین علیه السلام از خلقت بالاتر است».

اقدام این افراد به راستی قدم صدق بود و ما باید از خدا توفیق همراهی با آنان را بخواهیم و هیچ وقت کار پهلوی اول یا مأمون عباسی را انجام ندهیم. مأمون هم در ابتدا زیارت قبر اباعبدالله الحسین علیه السلام را آزاد اعلام نمود ولی بعدها جلو این کار را گرفت.

اراده تکوینی خدا بر این تعلق گرفته است که نام و یاد حضرت سیدالشهداء علیه السلام به رغم همه ممانعت ها و

کارشکنی ها روز به روز بلندآوازه تر شود. این مشیت الهی است و کسی نمی تواند مانع آن شود. مهم آن است که در این میانه ما بکوشیم در این قافله باشیم و به جمع یاران حضرت سیدالشهداء علیه السلام بپیوندیم و چنین چیزی را صادقانه از خدا بخواهیم.

مشکلات وهابی ها

یکی دیگر از فوائد ایجاد یک شبکه مستقل ماهواره ای با موضوع امام حسین علیه السلام این است که موجب کاهش مشکلات وهابی ها می شود. بسیاری از وهابی ها - به ویژه جوانان وهابی - شستشوی مغزی شده اند و به جای آن که ندای حق و حقیقت به گوششان برسد تحت تبلیغات مسموم دشمنان اهل بیت علیه السلام قرار گرفته اند. لذا در صورت گفتگو و مواجهه صحیح، تسلیم حقیقت می شوند، هم چنان که امروزه بسیاری از جوانان وهابی به آیین زندگی

بخش تشیع گراییده اند. البته این مقدار کم است و در صورت فرهنگ سازی، آهنگ گرایش جوانان حقیقت جو به تشیع افزون تر خواهد شد.

وهابی ها بین صد تا دویست سال پیش چندین بار به کربلا و نجف یورش بردند و حرم های مطهر را ویران کردند. تنها در یک یورش پنج هزار را در کربلا کشتند. مگر شهر کربلا در صد و اندی سال پیش چند تن سکنه داشته است که وهابی ها پنج هزار تن از آنان را قتل عام کرده اند؟ کافی است به کتاب شهداء الفضیلة نوشته مرحوم علامه امینی مراجعه کنید و ببینید چه عالمان بزرگواری در این جنایات به دست وهابی ها به شهادت رسیده اند.

وهابی ها چرا چنین کردند و دست به این جنایات زدند؟ آنها معتقدند گنبد و بارگاه در زمان پیغمبر نبوده و بدعت است. در حقیقت مشکل آنان یک مشکل علمی و فکری است و از بی سوادی آنان

ناشی می شود. اما ما نباید مثل آنان بی سواد باشیم. برای روشن شدن موضوع ذکر یک مسئله علمی لازم است:

ما در مسائل علمی یک «عام» داریم و یک «خاص». وقتی پدر کسی به او بگوید: «این غذا را میان مردم تقسیم کن» و بعدها اضافه کند که «به فلانی و فلانی غذا نده» جمله اول «عام» و جمله دوم «خاص» است. در این مثال پسر باید به همه غذا بدهد جز کسانی که پدر استثنا کرده است. یعنی به اصطلاح خاص، عام را کنار می زند. اما گاهی عام به قدری قوی است که خاص را کنار می زند.

آنها در کتاب هایشان از قول رسول خدا ﷺ آورده اند که وقتی کسی را به خاک می سپارید قبر او را بیش از چهار انگشت بالا نیاورید. این حدیث یک بحث علمی گسترده ای را ایجاد کرده است مبنی بر این که آیا منظور پیغمبر چهار انگشت

بسته بوده است یا چهار انگشت باز؟ به عبارت دیگر آیا جایز است ارتفاع قبر را بیش از چهار انگشت بسته ولی کم تر از چهار انگشت باز بالا بیاوریم یا خیر. این مسئله در کتاب های فقهی مثل حدائق، مستند، جواهر الکلام، موسوعه الفقه و ... آمده و ما نیز مانند آنان روایاتی در این زمینه داریم. آنها می گویند چرا قبر امام حسین علیه السلام باید ضریح دو متری و گلدسته بیست متری داشته باشد. باید آن را هم مثل بقیع خراب کنیم و حداکثر چهار انگشت قرار دهیم و جلو بدعت شما شیعیان را بگیریم.

در پاسخ به این شبهه ساده اندیشانه وهابیان می گوییم: خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛ هر کس شعائر الهی را بزرگ بدارد این کار نشانه پرهیزگاری دل هاست.»

خدای متعال لذا شعائر الهی را ستوده و آن را نشانه تقوای قلبی دانسته است ولی مصادیق شعائر الهی را بیان نفرموده و نگفته است شعائر الهی کدام است. درست مثل این که فرموده است با خاک تیمم کنید و با آب وضو بگیرید ولی نفرموده است خاک چیست یا آب چیست. لذا هر چیزی که اسم آن آب باشد (البته آب مطلق، نه مضاف) می توان با آن وضو گرفت.

در این جا هم خدا ما را به تعظیم شعائر فرمان داده است ولی نفرموده تعظیم شعائر کدام است. هر چه عرفاً شعائر باشد تعظیم آن مورد پسند خداست و این حکم عام آن قدر نیرومند است که آن مسئله چهار انگشت بالا آوردن قبر را کنار می زند. بله، بالا آوردن قبر افراد عادی و درست کردن گنبد و بارگاه برای آنان حتی - اگر مؤمن باشند - از شعائر نیست. ولی درست کردن گنبد و بارگاه برای امام

حسین علیه السلام شعار اسلام است. لباس مشکی بر تن کردن و سیاه پوش کردن کوی و برزن در عزای سالار شهیدان هم مشمول همین حکم است. ما روایت داریم که پوشیدن لباس مشکی مکروه است ولی این کار اگر برای امام حسین علیه السلام باشد نه تنها مکروه نیست بلکه مستحب است و نماز خواندن با آن فضیلت افزون تری دارد. به عبارت دیگر اگر ما در ماه ذی الحجه با لباس مشکی نماز بخوانیم از فضیلت نمازمان می کاهد ولی اگر در محرم برای امام حسین علیه السلام لباس مشکی بر تن کنیم نماز خواندن با آن فضیلت نماز را دو چندان می کند. علت این امر آن است که لباس مشکی شعار و نشانه عزای سیدالشهداء علیه السلام است. وقتی بیگانه ای در ایام محرم الحرام وارد شهرهای ما شود و ببیند در و دیوار را با پارچه سیاه پوشانده اند و علم های سیاه بر در خانه ها آویخته اند، و پرس و جو کند، در

خواهد یافت که ما امام حسین علیه السلام را تعظیم و تجلیل می کنیم. هر چیزی از این قبیل باشد مصداق تعظیم شعائر و مستحب است و لذا نشانه تقوای قلوب می باشد. علت و ملاک این مسئله قوی تر از حکم چهار انگشت قبر است و آن را کنار می نهد. میان مشکی پوشیدن برای امام حسین علیه السلام و قبه و بارگاه درست کردن برای ایشان هیچ فرق وجود ندارد و هر دو تعظیم شعائر و از تقوای قلوب است.

ما هم می دانیم چنین گنبد و بارگاه هایی در زمان پیغمبر نبوده است ولی نه تنها بدعت نیست بلکه عین دین و دیانت است. چنین سست مغزانی فکر می کنند بارگاه مقدس حضرت سیدالشهداء علیه السلام بدعت است!! آیا باید آستان مقدس حضرت ثامن الحجج را فقط چهار انگشت بالا بیاوریم تا بدعت نباشد؟! به راستی که برخی از افراد فرسنگ ها از

حقیقت دورند و نمی دانند و یا نمی خواهند بدانند...
 عده ای از این افراد به زیارت عاشورا اشکال می کنند، اما همین اشکالی که این بی خبران ادعا می کنند، باید عین همان را در زیارت وارث، زیارت ناحیه، زیارت غدیریه، دعای ندبه، عزاداری ها و هزاران چیز دیگر هم ادعا کنند. ولی این افراد جرأت این کار را ندارند و یکی یکی و آرام آرام شروع به تشکیک در باورها و متون مقدس می کنند. پهلوی و صدام هم قدم به قدم و یکی یکی اقدام کردند. زیرا معمولا هیچ کس نیست که مثل وهابی های سبک مغز یکدفعه همه چیز را از اساس منکر شود و بدعت بخواند.

چنین اشکالاتی را طی هزار سال هیچ یک از علما مطرح نکرده اند و نادانانی که این شبهات وهابی ها را می پراکنند باید این قدر جرأت داشته باشند که یک بار پرده از چهره خود بردارند.

من از جوانان مؤمن استدعا می کنم که خودشان هم اندکی در پی این مسائل باشند و در این باره مطالعه و پی جویی کنند.
 از خدای متعال می خواهم در مسیر اهل بیت علیهم السلام به همه ما ثبات قدم و قدم صدق عنایت فرماید.

وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين

فهرست

در پیشگاه حضرت سید الشهداء علیه السلام.....	۴
گام های راستین.....	۷
در خانه او منبر نرو!.....	۱۴
ضرورت تأسیس رسانه های حسینی.....	۱۹
شعائر حسینی و فرهنگ سازی.....	۲۱
اراده تکوینی خدای متعال و گسترش شعائر حسینی.....	۲۵
اصحاب امام حسین علیه السلام.....	۲۷
مشکلات وهابی ها.....	۳۰